

کارگاه آیین نگارش و ویرایش

دانشگاه دامغان

تیرماه ۱۳۹۶

کاربرد درست زبان:

الف) واژه:

۱- ساخت واژه باید با هنجارهای واژه‌سازی سازگار باشد. (تولید کلمه باید مطابق با قواعد صرف و اشتقاق باشد).

مثلاً واژه‌های دوماً، گاهاً، گزارشات، الفرمایش، دررابطه‌با، اعلم‌تر، و ... درست تولید نشده است.

۲- واژه باید با موضوع نوشته سازگار باشد.

برای مثال واژه‌های عاشقانه، ادبی، علمی، خبری، اخلاقی، کودکانه، طنز، سرد، گرم، تیره، روشن و ... داریم.

۳- گزینش واژه باید به گونه‌ای باشد که امکان جای‌گزینی به کمترینه برسد.
(جانشینی)

۴- واژه‌های دورازدهن، کهن و بیگانه غیرضرور را به کار نبریم.

۵- از کاربردهای فاضلانه و گونه‌های اجتماعی پرهیزیم.

۶- واژه نباید از نظر املائی و شیوه خط فارسی غلط باشد.

ب) ساختمان (جمله‌بندی):

- ۱- ساخت جمله باید با هنجارهای دستوری سازگار باشد.
- ۲- جمله‌های بلند دیرفهم را با حذف اجزای غیرضرور و یا تبدیل کردن به جمله‌های کوتاه‌تر، ساده کنیم.
- ۳- جمله‌های ناقص و نامفهوم، با افزودن جزء لازم، کامل شود.
- ۴- اجزای جمله را به بهترین، درست‌ترین و مؤثرترین شکل مرتب کنیم. (هم‌نشینی)
- ۵- طول نوشته، به تناسب موضوع، دانش و شخصیت خواننده رعایت شود.
- ۶- کاربرد آرایه‌های ادبی در نوشته‌های علمی، ناپسند و در نوشته‌های ادبی لازم است.
- ۷- نوشته‌های علمی، باید کاملاً ساده و روشن باشد که تنها یک مفهوم از آن برداشت شود.

توضیحات بیشتر درباره کاربرد واژه:

۱- کاربردهای ناپسند قواعد عربی با واژه‌های فارسی:

۱-۱- جمع بستن:

- با «ین» مانند بازرسین، داوطلبین، تازه‌واردین
- با «ات» مانند آزمایشات، فرمایشات، پیشنهادات، سفارشات، گزارشات، چرندیات، تراوشات و ...
- جمع مکسر مانند اکراد، الوار، اتوآپ، میادین، اساتید، بساتین، بنادر، دساتیر، دهاقین، افاغنه و ...
- دو جمع‌ی مانند احوالات، جواهرات، حبوبات، آثارها، اسرارها، و ...
- ۱-۲- کاربرد «ال» با واژه‌های فارسی مانند حسب‌الفرمایش، قصرالدشت، قلیل‌الخرد، ممنوع‌الکار، متناسب‌الاندام
- ۱-۳- کاربرد تنوین با واژه‌های فارسی یا غیرعربی مانند جاناً، گاهاً، ناچاراً، دوماً، سوماً، زباناً، خواهشاً تلفناً و ...
- ۱-۴- کاربرد صفت مؤنث عربی در فارسی مانند بانوی محترمه، ابنیه معتبره، خانم شاعره، مدیره دبیرستان و ...
- ۱-۵- «یت» مصدرساز عربی با واژه‌های فارسی مانند آشنائیت، ایرانیت، خریت، خوبیت، دوئیت، رهبریت، شهریت، منیت و ...
- ۱-۶- افعال تفضیل عربی نیاز به «تر» و «ترین» ندارد مانند افضل‌تر، اعلم‌تر، اصلح‌ترین، اشرف‌ترین و ...

۲- کاربردهای اضافی (حشو):

ابر هوا، سنگ سیاه حجرالاسود، شب ليله القدر، اتوبوس مسافربری، پارکینگ وسایل نقلیه، ابوی بنده (من)، ارکستر موسیقی، از قبل پیش‌بینی کردن، پس بنابراین، اظهار تمارض/تجاهل/تغافل، امر آموزش، کار تدریس، مسئله امنیت، موضوع سیاست‌زدگی، بازخوانی مجدد پرونده، پارسال گذشته، سوابق گذشته، تخته وایت‌برد، حسن خوبی، دهم عاشورا، سال عام‌الفیل، شاهد عینی، ناهار ظهر و ...

*** تکیه کلام نابه‌جا هم مصداق حشو است مانند: به قول معروف، مبرهن است که، در حقیقت، به اصطلاح و ...

۳- انتخاب درست واژه‌های هم‌آوا یا نزدیک به هم مانند:

انتصاب و انتساب / الغا و القا / هرس و حرس / نغز و نقض / تأثر و تعسر و تحسر /
مغنی و مقنی / ثمین و سمین / ثواب و صواب / تهدید و تحدید / حول و هول /
امارت و عمارت / مأمول و معمول / مذموم و مضموم / مرعی و مرئی / مزه‌مزه و
مضمضه / متبوع و مطبوع / مستور و مسطور / شبح و شبه / صریر و سریر / قدیر و
غدیر / قالب و غالب / منصور و منثور / پرتقال و پرتغال

۴- کاربردهای نگارشی ناپسند:

آتش‌گشودن، آفتاب‌گرفتن، استمدادطلبیدن، حمام‌گرفتن، بهادادن، تماس حاصل کردن، بی‌تفاوت، پیاده‌کردن قانون و ... تکمیل نقایص، دررابطه‌با، رشد منفی، دست پیدا کردن، زیر سؤال بردن، عدم وجود، فراز (بخش)، می‌رود که ... برخوردار بودن برای امور منفی و ...

۵- کاربردهای جابه‌جا:

آبدیده، آبداده / آرایش، پیرایش / ابزار، امکانات / احسنت، احسن / استعفا، استیفا / استیجاری، استجاری / اعلام، اعلان / افراط، تفریط / بخشودن، بخشیدن / بها، بهاء / تزویج، ازدواج / تصفیه، تسویه / تصنیف، تألیف / چنان‌که، چنان‌چه / درب، در / رئیس‌جمهوری، رئیس‌جمهور / شامل، مشمول / کاندید، کاندیدا / محدود، معدود / مزده، مزدگانی / مظنون، ظنین / نفحه، نفخه و ...

۶- نکته‌هایی دربارهٔ «فعل»:

۶-۱- اصلی‌ترین واژهٔ انتقال‌دهندهٔ مفهوم فعل است.

۶-۲- فعل باید در معنای اصلی خود به کار برود.

اجراکردن، پیاده‌کردن، انجام‌دادن، طرح‌کردن، بنیان‌نهادن ...

۶-۳- هر فعل حرف اضافهٔ ویژه دارد.

پرداختن به، آراستن با، باختن به، بردن از، گماشتن در، پوشاندن با، به، در،

از و ...

۶-۴- از کاربرد فعل مجهول همراه با فاعل پرهیز شود.

جملهٔ «مقالهٔ ... توسط (به قلم) ... نوشته شد» غلط است.

۶-۵- به جای فعل‌های مرکب و گروه‌های فعلی از فعل‌های ساده یا کوتاه‌تر

استفاده کنیم.

ابراز تشکر کردن، مورد ... قرار دادن، به ظهور رساندن، خنده‌کردن، گریه-

کردن، بازدید به عمل آوردن، اطلاع حاصل کردن، ارسال کردن، به هلاکت

رساندن، به مورد اجرا گذاشتن و ...

*** کاربرد کنایه‌های فعلی می‌تواند از این قاعده جدا باشد؛ مانند از پا

درآوردن و ...

۶-۶- فعل بی‌قرینه حذف نشود.

۶-۷- زمان افعال هماهنگ باشد.

۶-۸- وجه وصفی به کار نبریم.

۶-۹- به املائی فعل‌های «گزاردن و گذاردن» توجه کنیم.

*** برای مفاهیمی چون نهادن و وضع کردن از فعل گذاردن و برای مفاهیمی

چون اداکردن و انجام‌دادن از گزاردن بهره می‌گیریم.

بدعت، قانون، سیاست، بنیان، پایه، سنت و نام + گذار

خبر، کار، خدمت، نماز، سپاس، حق، خواب، پیغام، شکر و وام + گزار

شیوه خط فارسی:

- ۱- «فاصله» فضای خالی بین دو واژه است و «نیم‌فاصله» فضای خالی بین دو حرف یا تکواژهای یک واژه.
- ۲- هر واژه در زبان فارسی یک تکیه دارد؛ پس نمی‌توان بین اجزای یک کلمه فاصله انداخت زیرا دو تکیه می‌گیرد و به دو واژه تبدیل می‌شود.
- ۳- همیشه نشانه‌های سجاوندی مانند نقطه و ... بی‌فاصله پس از واژه می‌آید.
- ۴- نشانه‌های باز مانند کمانک و قلاب و گیومه با یک فاصله پس از واژه می‌آید.
- ۵- درون نشانه‌های باز فاصله نمی‌آید.
- ۶- شکل حروف باید رعایت شود زیرا خط قراردادی است و تغییر شکل حروف موجب غلط‌املائی و یا تغییر معنا می‌شود.
- ۷- همیشه نقش‌نمای متمم (حرف اضافه)، پیوندها (حروف ربط)، نشانه مفعول و نشانه منادا با فاصله می‌آیند.
- ۸- نقطه پایانی جمله‌های درون گیومه را درون گیومه بگذاریم.
- ۹- پیشوند، پسوند و میانوند با نیم‌فاصله می‌آید یا به واژه می‌چسبد.
- ۱۰- «می» پیش از فعل با نیم‌فاصله می‌آید.
- ۱۱- «ها» جمع با نیم‌فاصله می‌آید.
- ۱۲- «بی» صفت‌ساز با نیم‌فاصله می‌آید. بی‌کار، بی‌عیب، بی‌شکیب
- ۱۳- «به» قیدساز با نیم‌فاصله می‌آید. به‌راستی، به‌خوبی، به‌چالاکی
- ۱۴- «ب» صفت‌ساز به واژه می‌چسبد. بخرد، بشکوه، باندام، بنام
- ۱۵- اعداد، بافاصله پیش از اسم می‌آیند. (چهار نفر) مگر آنکه واژه مرکب بسازد. یک‌باره، یک‌کاسه، یک‌روزه، دوشنبه، پنج‌هزار
- ۱۶- «تر» و «ترین» با نیم‌فاصله پس از واژه می‌آید. (نازک‌تر، خوب‌ترین) مگر واژه‌های «بهتر، کهتر، مهتر، بیشتر، کمتر»
- ۱۷- «و» میانوند با نیم‌فاصله می‌آید. جست‌وجو، رفت‌وروب

۱۸- «این، آن، همین و همان» با فاصله پیش از اسم می‌آید؛ مگر واژه‌های اینجا، آنجا، اینکه، آنکه، آنچه، این‌طور، آن‌طور، همین‌طور، همان‌طور، همین‌جا و همین‌جا

۱۹- «هیچ» با فاصله پیش از اسم می‌آید. (هیچ انسانی) مگر در واژه‌های هیچ‌کدام، هیچ‌کس، هیچ‌یک، هیچ‌گاه

۲۰- «هم» به واژه‌های تک‌هجایی می‌چسبد. (همکار، همدرس) در واژه‌های چندهجایی با نیم‌فاصله می‌آید؛ مگر همشهری، همشیره، همسایه، همدیگر، همچنان، همچنین و همینکه

۲۱- ترکیب‌های عربی رایج در فارسی به شکل ان‌شاءالله، عن‌قرب، فی‌المثل، من‌جمله، علی‌حده و مع‌هذا می‌آید.

۲۲- در واژه‌های فارسی همزه به شکل «ء» نمی‌آید. (می‌گوئیم، فرمائید) بلکه با دو «ی» می‌آید. (نمایید، خدایی، آیین، پاییز، بیاید، می‌آییم)

۲۳- «ی» میانجی پس از کسره آخر چسبان و تنها به شکل «ه» و «ه» می‌آید. مانند قطره و خانه

۲۴- همزه عربی از پایان واژه‌هایی مانند املاء و انشاء و صحراء و ... می‌افتد. (املا و ...) و هنگام اضافه شدن «ی» میانجی می‌گیرد؛ مانند انشای زیبا، ارتقای رتبه

۲۵- کسره آخر چسبان و تنها، هنگام آمدن پسوند از خط حذف می‌شود؛ مانند بنده و بندگان، خانه و خانگی

سر بلند باشید

تهیه‌کننده و مدرس: رضا داوری